

## علی، خلیفه خدا و جان پیغمبر (ص)

### مظهر تام خلافت الهی

آن مقداری که بشر از کمال چیزی می فهمد، در دعای امام باقر (ع) در دعای سحر جلوه کرده است. صدر و ساقه این دعای سحر، اوصاف کلی و جزئی خداست. از بهاء و کمال و جمال گرفته تا به جبروت ختم شده است. اینها کمالات خداست. همه این کمالات، بالعرض، نه بالذات، بالتَّبَع نه بالاسقلال در «خلیفه الله» که علی (ع) مظهر تام آن است، محقق است. زیرا همه اسمای الهی را خدا به خلیفه اش که انسان کامل است، یاد داد.

آنچه را که شما در دعای سحر به نحو بالذات و استقلال درباره خدا سراغ دارید، به نحو تبع و عرض در خلیفه الله، علی بن ابی طالب (ع) می یابید.

زیرا وقتی به سخنان خلیفه الله، مراجعه می کنید، می بینید او شجاعتش را در این نمی داند که عمرو بن عبدود و مانند آن را به خاک انداخت، او شهامتش را در علم و عمل دیگری می داند. آنجا که بخواهد خود را معرفی کند، با این بیان ذکر می کند؛ «سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي فَلَأَنَا بِطُرُقِ السَّمَاءِ أَعْلَمُ مِنِّْي بِطُرُقِ الْأَرْضِ»؛ از من پرسید قبل از آن که مرا از دست بدهید، من به راه های آسمان داناترم از راه های زمین. هر چه خواستید از من پرسید، این یک تحدی جهانی است، این حرف را غیر علی (ع) هیچ کس نگفت، مگر اینکه رسوا شد. و از غیر خلیفه الله هم ساخته نیست که چنین تحدی کند.

فرمود: «راه های آسمانی را من بهتر از راه های زمینی بلدم»، منظور از این آسمان همان است که

---

<sup>۱</sup>. نهج البلاغه، خطبه ۱۸۹

به روی مؤمنان باز است و به چهره کافران بسته است، نه این آسمان نجومی و ریاضی. این آسمانی که فرمود: ﴿لَا تُفْتَحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ﴾<sup>۱</sup>؛ درهای آسمان بر آنان گشوده نمی شود. نه این آسمان مادی است که هم اکنون سفینه ها مرتب در آن تردد دارند. فرمود آسمانی که درش هرگز به روی کافر باز نمی شود، من راه های آن آسمان ها را بهتر از راه های زمینی بلدم. چون یک انسان ملکوتی، ملکوتش قوی تر از مُلک است؛ برای اینکه ملکوت قوی تر از ملک است.

## تفاوت علی (ع) با سایر اصحاب

حرف علی (ع) خیلی رساست. فرمود من با سایر اصحاب فرقم این است؛ «و لَيْسَ كُلُّ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ ص مَنْ كَانَ يَسْأَلُهُ وَيَسْتَفْهِمُهُ ... وَ كَانَ لَا يَمُرُّ بِى مِنْ ذَلِكَ شَيْءٍ إِلَّا سَأَلْتُهُ عَنْهُ وَ حَفِظْتُهُ»<sup>۲</sup>؛ همه اصحاب رسول خدا [این معارف را] از رسول خدا سؤال نمی کردند که بفهمند، ولی من هیچ مطلبی پیش نمی آمد، مگر اینکه می پرسیدم و [می فهمیدم] و حفظ می کردم. من با آنها یک چنین فرقی دارم! لذا هرچه بخواهید من می دانم.

## جان پیغمبر

جان علی (ع) در جان پیغمبر(ص) قرار دارد. این نه تنها در آیه مباهله است که فرمود: «علی به منزله نفس ماست ﴿وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ﴾»<sup>۳</sup>، بلکه از ضمیمه کردن خطبه نهج البلاغه با آیه قرآن استنباط می شود. در نهج البلاغه، حضرت یک ادعایی دارد و چون معصوم است، این ادعای او مقبول است.

۱. سوره اعراف، آیه ۴۰

۲. نهج البلاغه، خطبه ۲۱۰

۳. سوره آل عمران، آیه ۶۱

مشابه این ادعا را هم خود پیغمبر (ص) درباره علی (ع) بیان کرده است. در خطبه قاصعه فرمود: «أَرَى نُورَ الْوَحْيِ وَالرِّسَالَةِ وَأَشْمُ رِيحَ النُّبُوَّةِ»<sup>۱</sup>، من نور وحی و رسالت را می بینم و رایحه وحی را استشمام می کنم. در همان خطبه دارد که رسول اکرم به علی بن ابی طالب فرمود: «إِنَّكَ تَسْمَعُ مَا أَسْمَعُ وَتَرَى مَا أَرَى إِلَّا أَنْتَ لَسْتَ بِنَبِيٍّ وَ لَكِنَّكَ لَوْزِيرٌ»<sup>۲</sup>، ای علی هرچه را که من می شنوم تو می شنوی و هر چه را که من می بینم تو می بینی، منتها تو نبی نیستی بلکه وزیر منی. این مقدمه ای است که در نهج البلاغه آمده است.

اما در قرآن کریم آمده است: ﴿نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ \* عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ﴾<sup>۳</sup>، روح الامین (جبرئیل) قرآن را بر قلب تو نازل کرد تا تو از انداز کنندگان باشی، یعنی این فرشته وحی، پیام الهی را به قلب پیغمبر نازل می کند و با گوش دل پیغمبر حرف می زند. لذا دیگران حرف فرشته را نمی شنوند چون در درون دل توست.

پس در محرم خانه دل، یک چشم و یک گوشی است که بینشی است و مانند آن را همه کس ندارند. ولی کاملش را انبیاء و اولیاء دارند، ناقصش را مؤمنین دارند، و غیر مؤمن فاقد آن است؛ ﴿لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ﴾<sup>۴</sup>؛ چشم هایشان کور نیست، ولی قلب هایی که در سینه دارند، کور است.

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲

۲. همان

۳. سوره شعراء، آیه ۱۹۳ - ۱۹۴

۴. سوره حج، آیه ۴۶

آنها که گر و کور و لال اند، خارج بحثند، مؤمنین ضعیفش را دارند، معصومین کاملش را.

پس در حریم دل رسول گرامی اسلام (ص)، جایی برای نزول فرشته ها هست. فرشته وحی آنجا

می آید و آنجا پیام خدا را پیاده می کند؛ ﴿نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ \* عَلَى قَلْبِكَ ...﴾. اگر کسی در درون

دل پیغمبر نباشد، چگونه حرف فرشته را می شنود؟! چگونه بوی نبوت را استشمام می کند؟! چگونه

آنچه را که پیغمبر می ببیند، او می بیند؟! از انضمام خطبه قاصعه و این آیه نورانی بر می آید علی بن ابی

طالب (ع) در درون جان جانان قرار دارد. این می شود «نفس پیغمبر».

## علم علوی

حرف علی (ع) بسیار گویا و روشن است، فرمود: هر چه می خواهید از من بی‌رسید؛ «فَوَالَّذِي

نَفْسِي بِيَدِهِ لَا تَسْأَلُونِي عَنْ شَيْءٍ فِيمَا بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ السَّاعَةِ وَلَا عَنْ فِتْنَةٍ تَهْدِي مِائَةً وَتُضِلُّ مِائَةً إِلَّا أَنْبَأْتُكُمْ

بِنَاعِقِهَا وَقَائِدِهَا وَسَائِقِهَا»<sup>۱</sup>؛ به خدایی که جانم در دست اوست، سؤال نمی کنید از چیزی در مورد آنچه

که میان شما تا روز قیامت است و گروهی که صد نفر [عده ای] را هدایت یا گمراه می کنند، مگر آنکه

من از دعوت کننده آنان و رهبرشان و سوق دهنده شان، شما را آگاه می کنم.» قسم به ذات کسی که

جان علی در دست اوست؛ حوادث الان تا روز قیامت را هر چه بی‌رسید، علی بلد است.

احزاب و گروه ها که مایه هدایت عده ای و گمراهی یک عده ای هستند، من می دانم رهبرشان

کیست، دنباله کننده کیست، جلو رونده کیست، همه را بلدم. این حرف را در حضور دوست و دشمن

گفت؛ و احدی هم انکار نکرد. و دوست و دشمن هم این را نقل کردند. این علی است!!

---

<sup>۱</sup>. نهج البلاغه، خطبه ۹۳

## همتای قرآن کریم

در نهج البلاغه هست که: «وَاللَّهِ لَوْ شِئْتُ أَنْ أُخْبِرَ كُلَّ رَجُلٍ مِنْكُمْ بِمَخْرَجِهِ وَ مَوْلَجِهِ وَ جَمِيعِ شَأْنِهِ لَفَعَلْتُ وَ لَكِنْ أَخَافُ أَنْ تَكْفُرُوا فِيَّ بِرَسُولِ اللَّهِ ص»<sup>۱</sup>؛ به خدا قسم اگر بخواهم خروج و ورود و تمام شئونات هر یک از شما را خبر دهم، می توانم؛ ولی می ترسم به خاطر من به رسول خدا (ص) کافر شوید». ادعای علی (ع) البته این است که: قسم به خدا من سرنوشت و سرگذشت تک تک شما را می دانم. ادعایی که ذات اقدس إله در قرآن کریم از عیسی بن مریم نقل کرد، کم رنگ تر از این است ﴿وَ أُنبئکم بما تأکلونَ وَ ما تدخرونَ فی بیوتکم﴾<sup>۲</sup>؛ و شما را به آنچه می خورید و در خانه هایتان ذخیره می کنید، خبر می دهم. محدوده ادعای عیسی به اندازه انجیل اوست! هیچ پیغمبری بالاتر از کتاب خود حرف نمی زند.

هر پیغمبری همتای کتاب خودش است؛ این یک مقدمه.

علی چون جان پیغمبر است، همتای قرآن است، این دو مقدمه.

قرآن نه تنها مصدق صحف گذشته است، بلکه مهیمن بر همه کتابهاست، این سه مقدمه.

کسی که همتای مهیمن است، مهیمن خواهد بود، این نتیجه.

بنابراین ادعای علی (ع) این است که: به سرنوشت تک تک شما آگاهم؛ ولی اگر بگویم، شاید آن

ظرفیت را نداشته باشید و بگویید: (معاذ الله) علی از پیغمبر افضل است و همین مایه ارتداد شما بشود.

ولی این را با اولیای خواص در میان می گذارد، آنها که چنین ظرفیتی دارند. چون «إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ

<sup>۱</sup>. نهج البلاغه، خطبه ۱۷۵

<sup>۲</sup>. سوره آل عمران، آیه ۴۹

أَوْعِيَّةٌ فَخَيْرُهَا أَوْعَاهَا»<sup>۱</sup> به درستی که این قلبها ظرف هستند و بهترین آنها وسیع ترین آنهاست.

## علی (ع) و حب دنیا

مرحوم کلینی نقل کرده و در جوامع روایی ما نیز هست که؛ «حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ»<sup>۲</sup>، منشأ

تمام خطاها، دوست داشتن دنیا است. کلینی و دیگران با تعبیرات گوناگون نقل کرده اند که اگر کسی دنیا را به زمین بزند، جایی برای فریب و گناه میماند؟! " چون ریشه هر گناه حب دنیا است.

دنیا، نه یعنی باغ و بوستان؛ دنیا همین عناوین اعتباری من و ما؛ که چرا من نگفتم، چرا من ندارم؛

مقام من، جاه من، پست من، میز من، اینها دنیا است. وگرنه زمین و آسمان که دنیا نیست! زمین و آسمان

جزء آیات الهی و مخلوقات الهی است و حق هم هست؛ به آن جهت متجر اولیاست. اینکه دنیا را خدا

فقط متاع غرور و فریب می داند؛ نه یعنی باغ و راغ، نه یعنی درخت! درخت، مخلوق خداست؛ جزء

آیات الهی است و خوب هم هست. این جاه طلبی و غرور که من بالاترم، من بهترم، این تکاثر، این جز

نیرنگ چیز دیگر نیست. جز سراب چیز دیگر نیست! این بد و خوب ندارد، فقط بد است؛ ﴿وَمَا الْحَيَاةُ

الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ﴾<sup>۳</sup>؛ زندگی دنیا چیزی جز فریب نیست.

پیغمبر فرمود: «شیطان من به دست من اسیر شد. در این جهاد اکبر، من شیطان را به اسارت گرفتم.

یا شیطان اسیر می گیرد: «كَمْ مِنْ عَقْلٍ أَسِيرٍ تَحْتَ هَوَىٰ أَمِيرٍ»<sup>۴</sup> چه بسا عقلهایی که تحت سلطه و اسارت

۱. نهج البلاغه، حکمت ۱۴۷

۲. الکافی، ج ۲، ص ۱۳۱

۳. سوره آل عمران، آیه ۱۸۵

۴. نهج البلاغه، حکمت ۲۱۱

هوای نفسانی، اسیر هستند». یا انسان پیروز می شود و شیطان را به اسارت می گیرد. حضرت فرمود: من شیطان را به اسارت گرفتم.» حضرت امیر هم فرمود: «شیطان را من خلع سلاح کردم. او چه جور می خواهد مرا فریب بدهد؟!» فرمود: «من این نیرنگ را به زانو درآوردم؛ «أَنَا كَابُ الدُّنْيَا لَوَجْهِهَا وَقَادِرُهَا بِقَدْرِهَا وَ نَاظِرُهَا بِعَيْنِهَا»<sup>۱</sup>، من دنیا را به رو به زمین کوبیده و بیش از آنچه ارزش دارد، بهایش نداده ام و با دیده ای که سزاوار است به آن نگریسته ام.» من این رأس خطیئه را به زانو درآوردم، دماغش را خاک مالی کردم، او را زمین زدم.

پس اگر من دنیا را به رو به خاک افکندم، این «رأس کل خطیئه» مکبوب من شد. مکبوب یعنی آن کسی که در کشتی به رو زمین می خورد. در این صورت نفس اماره از درون بخواهد وسوسه کند، وسیله ندارد؛ شیطان از بیرون بخواهد گمراه کند، ابزار ندارد! «رأس کل خطیئه» که حب دنیاست، من این را به خاک مالیدم. این می شود «شجاعت کبری»! چون در جهاد اکبر اگر کسی ظفرمند شد، دارای شجاعت کبری است.

## اقامه قرآن و عترت، وصیت علی (ع)

علی (ع) در وصیتش گذشته از دستور به تقوا، همان بیان رسول گرامی را گوشزد کرد و فرمود: وصیتم درباره خدا «توحید» است و درباره رسول گرامی «حفظ سنت» اوست. بعد فرمود: «أَقِيمُوا هَذَيْنِ الْعُمُودَيْنِ وَ أَوْقِدُوا هَذَيْنِ الْمِصْبَاحَيْنِ»<sup>۲</sup>؛ این دو عمود را به پا دارید و این دو چراغ را روشن نگاه دارید. این دو عمود و دو چراغ، عمود قرآن و عترت و چراغ قرآن و عترت است.

<sup>۱</sup>. نهج البلاغه، خطبه ۱۲۸

<sup>۲</sup>. نهج البلاغه، خطبه ۱۴۹

در وصیت رسول گرامی اسلام (ص) آمده است: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ التَّقْلِينَ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِترَتِي»<sup>۱</sup>، در وصیت نامه علی (ع) هم آمده است: «أَقِيمُوا هَذَيْنِ الْعُمُودَيْنِ وَ أَوْقِدُوا هَذَيْنِ الْمِصْبَاحَيْنِ»، در صدر وصیت نامه الهی - سیاسی امام راحل هم همین حدیث نورانی «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ التَّقْلِينَ» یاد شده است. این کشور، کشور قرآن و عترت است. همه ما مأموریم قرآن را اقامه نماییم. البته مسأله اقامه قرآن و عترت کار سختی است. در طول تاریخ کسانی بودند که موفق شدند نماز را اقامه کنند، زکات را رواج دهند و مانند آن. اما شما بخواهید در حضور کسی یا بر مزار کسی به استثنای اهل بیت (ع) آن چنان شهامت داشته باشید که بگویید: «أشهد أنّك قد أقمْتَ القرآن»، برای شما سخت است. ولی وقتی به مزار امام راحل می روید، می بینید به آسانی می توانید بگویید: «أشهد أنّك قد أقمْتَ القرآن و العتره»، زیرا او کسی بود که به وصیت علی (ع) عمل کرد که فرمود: «أَقِيمُوا هَذَيْنِ الْعُمُودَيْنِ وَ أَوْقِدُوا هَذَيْنِ الْمِصْبَاحَيْنِ».

---

<sup>۱</sup>. کتاب سلیم، ج ۲، ص ۶۴۷